



داکتر سید عبدالله کاظم

26 مارچ 2016

"ظهور هژمونی داعش و دورنمای صلح در افغانستان"

وقتی صفحه روزنامه وزین هشت صبح را باز کردم و به نوشته های آن نظر انداختم، عنوان فوق توجه مرا به خود جلب کرد و به مطالعه آن پرداختم و در محتوای آن روزنه های امید را یافتم که اگر تحقق پذیرد، احتمال رسیدن به نتیجه مثبت در راستای تلاشها برای صلح در کشور میسر خواهد بود. لذا خواستم این مقاله را که توسط محترم آقای محمد باقر غلام پور نوشته شده و امروز شنبه مورخ 7 حمل 1305 در آن روزنامه به نشر رسیده است، خدمت علاقمندان تقدیم دارم. (با تشکر از روزنامه وزین هشت صبح)

اینک متن مقاله:

محمد باقر غلام پور - شنبه ۷ حمل ۱۳۹۵

ظهور گروه داعش در عراق و سوریه محور اصلی بسیاری از رسانه های جهان به ویژه منطقه شده و اندیشمندان غربی و شرقی را به تکاپو واداشته است.

داعش چگونه توانست در عراق با کمتر از چهارصد نفر (به نقل از منابع داعش) شهر موصل با بیست هزار نظامی را به تصرف خود در آورد؟



و در سوریه دست بالاتری نسبت به سایر گروه های افراطی پیدا کند؟

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

در مورد داعش، تحلیل‌ها فراوان و متنوع است اما نکاتی را باید مد نظر داشت؛ اولاً داعش خود را محدود به منطقه خاصی نمی‌داند بلکه اندیشه «خلافت اسلامی جهانی» در سر دارد و می‌خواهد نفوذ و پایگاهش را به همه کشورهای جهان بسط دهد.

دوم به نظر می‌رسد داعش اختلاف‌های شدیدی با سایر گروه‌های افراطی دارد و این سبب شده تا هم با آن‌ها درگیر شود و هم هژمونی خود را رفته رفته بر افراد آن گروه‌ها غالب سازد. اگر نگاهی به تاریخچه تشکلهای تروریستی داشته باشیم، درمی‌یابیم که هر کدام از آن‌ها در یک محدوده‌ی جغرافیایی ساکن شده‌اند و اگر هم قصد تشکیل حکومتی داشته‌اند، ادعای «امارت» می‌کردند و نه «خلافت» مانند طالبان در افغانستان که صحبت از «امارت اسلامی» می‌کردند و گروه‌هایی چون القاعده که اساساً داعیه تشکیل دولت نداشتند.

سوم داعش برخلاف گروه‌های دیگر رابطه‌ای بسیار حرفه‌ای با تکنالوژی‌های ارتباطی روز برقرار کرده، و با استفاده از ابزارهای ارتباطی مدرن به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی سعی در جذب نیرو و نیز مقابله با غرب و هراس افگنی در میان مردم جهان دارد. داعش برای بسیاری از جوانان غربی، آسیای میانه و کشورهای عربی جذابیتی ایجاد کرده که دیگر گروه‌ها، از این‌گونه عملکردها غافل بوده‌اند. نکته‌ی مهم دیگر این است که داعش علاوه بر خلافت ارضی به فکر خلافت بر اذهان افراد است، این امر موجب شده که بسیاری از عوامل انتحاری و یا تروریستی بدون این‌که ارتباطی با داعش داشته باشند و دستوری برای انجام عملیات گرفته باشند شروع به فعالیت می‌کنند و هر کدام از این افراد باعث قوی‌تر شدن داعش در سرزمین خود می‌شوند. همین سلطه فکری داعش جهان را به فکر فرو برده و آن‌ها را عاجز از انتخاب راهبردی مناسب برای مقابله، صرفاً به حمله هوایی به آن‌ها بسنده کرده‌اند. این سردرگمی موجب شده تا داعش مانند سرطان و به‌صورت کاملاً هدفمند در مناطقی که توانایی زیستن در آن داشته باشد، خود و اندیشه خود را تکثیر و تزیق کند. اگر آن‌ها در عراق و سوریه سرکوب شوند، سر از جای دیگری درمی‌آورند.

در حالت کنونی افغانستان یکی از کشورهایی است که داعش توانسته با ورود به آن شروع به جمع‌آوری افراد و ایجاد پایگاه برای آموزش و تجهیز افراد خود کند. افغانستان پس از سقوط طالبان و استقرار نیروهای بین‌المللی امید می‌رفت تا بتواند خود را بازسازی و عوامل داخلی و خارجی که قصد آشوب و برهم زدن امنیت را دارند مدیریت کند. در راستای این تلاش‌ها ایجاد شورای عالی صلح بود که تا به امروز کاری از پیش نبرده و نیروهای امنیتی افغانستان هم با این‌که رشادتهای زیادی از خود نشان داده و می‌دهند، اما بی‌برنامگی و فساد در دولت و گاه‌لابی‌های قدرتمندی که از وارد کردن ضربه‌های سهمگین به طالبان جلوگیری می‌کنند، همه و همه باعث عدم کارایی نیروهای امنیتی در مقابل هراس افگنی شده است.

این شرایط را با فقر، بی‌کاری و تبعیض آشکار در افغانستان جمع کنید، نتیجه‌ای جز ورود گروه افراطی‌تر از طالبان قابل انتظار نیست. این امر سبب شده تا مذاکرات صلحی که سال‌ها در جریان بود، این روزها رنگ و بوی دیگری به خود بگیرد، پای ابر قدرت‌ها به مذاکرات کشیده شود، پاکستان تغییر موضع بدهد و پس از سال‌ها اعتراف به پناه دادن طالبان کند.

شرایط به‌گونه‌ای رقم خورده که در نهایت همگرایی منطقه‌ای برای صلح در افغانستان فراهم شود، حالا طرف‌های درگیر و غیر درگیر در افغانستان خواستار صلح هستند زیرا از قدرت‌گیری بیشتر گروه «خلافت اسلامی» هراس دارند. کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای دخیل در صلح هر کدام منافع‌شان را در صلح می‌بینند؛ برای همین است که هر کدام به نحوی نقش خود را در تکمیل این پازل ایفا می‌کنند. نکاتی که درباره کشورهایمانند چین، امریکا، پاکستان و روسیه حایز اهمیت است:

کشور پاکستان از دیرباز مشکلات زیادی با افغانستان داشته که در طی این مدت دولت افغانستان خواستار صلح با طالبان بوده اما هیچ‌گاه مصمم وارد عمل نشده، در حالی که پاکستان به پناهگاه دو طیف بزرگ از طالبان بومی خود و طالبان افغانستان بدل شده است.

هرچند دولت پاکستان با طالبان پاکستانی در حالت جنگ است ولی با طالبان افغانستان همکاری می‌کند و نفوذ بسیار زیادی روی آن‌ها دارد.

حمله به مدرسه نظامی ارتش پاکستان رویکرد این کشور در قبال طالبان پاکستانی را تغییر داد و در نهایت به این نتیجه رسیدند که پرورش تروریسم روزی گریبان‌گیر خودشان می‌شود.

از دلایل دیگری که پاکستان را حاضر به همکاری در پروسه صلح کرده، می‌توان به فشارهای امریکا، چین، ترس از همسویی طالبان با یکدیگر، قدرت‌گیری بیش از اندازه طالبان افغان و کم‌رنگ شدن نفوذ آن‌ها نام برد؛ هرچند طالبان در بیانیهای جدید خودپیش شرطهایی برای آغاز مذاکره اعلام کرده‌اند اما می‌دانند این شروط هرگز برآورده نمی‌شود. در این میان امتیازگیری بیشتر پاکستان را شاهد خواهیم بود و شاید بتوان بیانیته آخر را حرکت ماهرانه پاکستان در شطرنج صلح قلمداد کرد.

دولت چین در چند وقت اخیر تلاش‌های خود را برای به ثمر رساندن مذاکرات صلح شروع کرده است: از تشویق پاکستان برای دعوت از طالبان، تا فرستادن هیات نظامی به افغانستان و کمک‌های مالی به ارتش کشور. هنگام صلح در افغانستان فرارسیده و به‌نظر می‌رسد، چین از دو جهت امنیتی و تجاری خواستار آرامش در افغانستان است و از گسترش حوزه‌ی داعش در افغانستان و رسیدن این نیروها به مرزهای خود واهمه دارد و به خوبی منطق داعش را که مربوط به قبل قرارداد و ستفالی است، درک کرده.

همچنین وجود چینی‌ها در میان نیروهای داعش نگرانی دولت چین را بیشتر کرده که البته چشم چینی‌ها به تجارت هم دوخته شده است. سهم‌گیری شرکت‌های چینی برای باسازی افغانستان و خط ارتباطی افغانستان به سایر کشورها مد نظر است.

روسیه نیز با ورود نیروهایش در سوریه و بمباران مکرر مواضع داعش و سایر گروه‌های افراطی و گاه میان‌ه‌رو، در صدد تغییر وضعیت میدانی به نفع دولت سوریه بود تا بتواند در مذاکرات صلح سوریه دست بالاتری داشته باشد. اما ورود دوباره روس‌ها به افغانستان با حفظ جانب احتیاط صورت گرفته است. از قرار معلوم ترس از داعش و نفوذ آن به حیاط خلوت روسیه، کرملین را برآن داشته تا همزمان با طالبان و دولت افغانستان وارد معامله شود. از یک طرف طالبان را در مقابل داعش حمایت کند و از جانب دیگر به دولت افغانستان سلاح و مهمات هدیه دهد. از طالبان می‌خواهد در مقابل دشمن مشترکشان بچنگد، و از دولت افغانستان انتظار دارد بقای خود را حفظ کند. البته روسیه باید بداند که این کار می‌تواند باعث هرج‌ومرج بیشتر در افغانستان شود؛ باید مشاهده کرد پوتین توانایی مدیریت سلاح‌های در دست دو طرف را دارد یا خیر.

دولت امریکا نیز در این میان خواستار آشتی با طالبان است؛ شاید از جهتی خیالش از حضور نیروهای ناتو در افغانستان با امضای پیمان امنیتی راحت شده و می‌خواهد بدون هزینه زیاد، صلح بین‌افغانی را برقرار کند. اوپاما نیز که آخرین سال حضورش در کاخ سفید را سپری می‌کند، سعی دارد تا با ایجاد صلح در افغانستان به‌صورت دیپلوماتیک پرونده سیاست خارجی خود را بارورتر کند همان‌طور که پرونده ایران را بدون هیچ‌گونه درگیری به سرانجام رساند. نکته دیگری که باید یادآور شد این است که امریکایی‌ها در عراق تجربه‌ای را آموخته‌اند که نمی‌خواهند دیگر بار در افغانستان آن را تکرار کنند برای همین بهترین گزینه‌ی آن‌ها صلح با طالبان و تمرکز بیشتر روی داعش است. پس از اعلامیه طالبان مبنی بر عدم شرکت آن‌ها در مذاکرات، واشنگتن پیام واضحی داد: «هر کس پای میز مذاکره نیاید سرکوب می‌شود». این تهدید شاید با تهدیدهای قبلی تفاوت داشته باشد.

ر مجموع طالبان خود نیز شاید به این نتیجه رسیده‌اند که اگر در این گفتگوها حاضر نشوند و به فشارهای مقامات پاکستانی اعتنایی نکنند، دیگر جایی در پاکستان نخواهند داشت. از طرفی با ورود آن‌ها به افغانستان نیروهای امریکایی و افغان‌ها را در مقابل دارند شاید بتوانند مدتی دوام بیاورند ولی بدون جای امنی مثل پاکستان و حمایت‌های اطلاعاتی و تسلیحاتی، کار بر طالبان بسی دشوار می‌شود. اگر بخواهیم داعش و شاخه جدید طالبان را نیز اضافه کنیم وضع از آنچه

هست بدتر می‌شود. هر چند در حال حاضر طالبان در مقایسه با نیروهای دولتی به برتری‌های مقطعی دست پیدا کرده‌اند. اما باید بدانیم جامعه جهانی اجازه سقوط افغانستان به دست طالبان را نمی‌دهد. امید می‌رود پس از سال‌ها جنگ، متوجه این مساله شده باشند.

به نظر می‌رسد همه کشورهای دوست و دشمن افغانستان، به خاطر تحولاتی که در منطقه و جهان در حال رخ دادن است، نیاز به صلح در افغانستان را بیشتر احساس می‌کنند و چشم به این مذاکرات صلح دوخته‌اند. هر چند انتظار معجزه نمی‌توان داشت.

صلح و امنیت در افغانستان در درازمدت حاصل خواهد شد که این مدت، فرصت مناسبی برای جلوگیری از بلندپروازی‌های داعش در افغانستان است.

در این میان سایه کشورهای اروپایی نیز در مذاکرات احساس می‌شود و آن‌ها از مهاجرت افغان‌ها به سمت کشورهای شان نگران هستند و سعی دارند از پروسه صلح حمایت کنند تا موج مهاجرت را از این راه کنترل کنند.

د پانیو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ